

بررسی رابطه بین همدمی و کنترل عواطف با تعارض زناشویی در زنان متقاضی طلاق شهرستان ساری

هدا نظری جویباری^۱، دکتر علی حسینیایی^{۲*}

^۱ کارشناسی ارشد، گروه روانشناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علی آباد کتول، علی آباد کتول، ایران.

^۲ استادیار، گروه روانشناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علی آباد کتول، علی آباد کتول، ایران.

^۳ کارشناسی ارشد روان شناسی و مدرس دانشگاه پیام نور.

* نویسنده مسئول: a.hosseinaei@gmail.com

چکیده

هدف از پژوهش حاضر بررسی رابطه بین همدمی و کنترل عواطف با تعارض زناشویی در زنان متقاضی طلاق شهرستان ساری می باشد. تحقیق حاضر از نظر هدف کاربردی و از نظر نحوه گردآوری داده ها توصیفی و از نظر روش تحقیقی همبستگی و از نظر موقعیت میدانی می باشد. روش نمونه گیری هم به صورت کتابخانه‌ای و هم به صورت میدانی می باشد. بدین صورت که ابتدا با مطالعه در خصوص نظریه‌ها و تعاریف متغیرها از طریق کتاب، مقالات و مجلات قسمت نظری نگارش می گردد. جامعه شامل کلیه زنان متقاضی طلاق گرفته در شهر ساری طبق آمار سال ۱۳۹۸ به تعداد ۲۶۰ می باشند. تعداد نمونه بر اساس جدول مورگان به تعداد ۱۵۲ نفر بود. در این پژوهش از پرسشنامه همدمی داویس (۱۹۸۳)، کنترل عواطف ویلیامز و همکاران (۱۹۹۷) و پرسشنامه تعارضات زناشویی ثنایی و همکاران (۱۳۹۲) استفاده شده است. پس از تکمیل پرسشنامه از روش همبستگی و رگرسیون و اطلاعات به کمک نرم افزار SPSS، مورد تجزیه و تحلیل خواهد شد.

واژگان کلیدی: همدمی، کنترل عواطف، تعارض زناشویی، نان متقاضی طلاق.

مقدمه

تعارض زناشویی به منزله تنوع نیازها و ارزش‌های زوجین است که با بیان احساسات منفی متجلی می‌شود و می‌تواند موقعیتی برای روشن سازی و تفسیر انتظارات درباره روابط فردی و شریک زندگی برای هر یک از زوجین فراهم آورد (لوف، شکری و قنبری، ۱۳۹۳). تعارض عبارتست از عدم توافق و مخالفت دو فرد با یکدیگر و همچنین سبزه‌های بین افراد در اثر منافع ناهمسو و اختلاف اهداف و ادراکات مختلف می‌باشد (وکیلی، ۱۳۹۳).

زوج‌های دارای تعارض، میزان زیادی عواطف منفی، شکایات و انزوا را در مقایسه با زوج‌های کارآمد نشان می‌دهند که به دلیل ناتوانی آن‌ها در حل تعارض است و اگر چه بعضی تعارض‌ها غیرقابل اجتناب هستند ولی دلیل بر این نمی‌شود که این تعارض‌ها همیشه مطلوب یا مفید باشند و تعارض می‌تواند، عشق و حتی یک ازدواج خوب را تخریب نماید (قناد، ۱۳۹۲).

یکی از متغیرهایی که می‌تواند نقش مهمی را در تعارضات زناشویی ایفا کند، میزان همدلی آن‌ها می‌باشد. همدلی در بین همسران به خاطر نقش زیاد عواطف، در زندگی خانوادگی، اهمیت بیشتری دارد. خیلی وقت‌ها همدلی می‌تواند ناراحتیها را برطرف کند، بدون اینکه توافق بین همسران وجود داشته شود. خیلی وقت‌ها ناراحتیها و هیجانات منفی به خاطر وجود مشکلات نیست بلکه به خاطر عدم همدلی و درک همسر است. همسری که خودش را قربانی و رها شده احساس می‌کند. همدلی به معنای درک کردن احساس دیگران یا به قول برخی نظریه پردازان، توانایی ادراک تجربه ذهنی و گاهی اشتراک پیدا کردن در هیجانات فرد دیگر است (طاهری، ۱۳۹۱).

مک کارتی (۲۰۰۶) می‌گوید حفظ صمیمیت و عشق نیازمند رشد الگوی ارتباطی (خوب گوش کردن، بیان درست نیاز، تدارک زمینه‌های حمایتی)، تشخیص تضادها و اختلاف‌ها (یافتن راه حل برای رسیدن به رضایت پایدار)، ایجاد صمیمت عاطفی و جنسی و لذت بردن از هم (کار، فعالیت، تفریح و منزل) است. استرنبرگ (۲۰۰۶) بیان می‌کند که زوجین دارای عشق هم سو کمترین تعارض منفی را در روابط بین فردی تجربه می‌کنند و عشق پیش بینی کننده خوبی برای رضایتمندی زناشویی است. پاندر (۲۰۰۵) می‌گوید عشق را می‌توان آگاهانه ایجاد و پرورش داد چون از درون آغاز می‌شود و به صورت اندیشه، احساس، کلام و عمل خود را نشان می‌دهد و در اکثر مواقع در روابط بین زوجین آن‌ها را هدایت می‌کند. پس عشق یک صمیمیت رشدیافته است که ایجاد انگیزه می‌کند و زوجین را به رضایتمندی سوق می‌دهد. در این میان تعارض زناشویی ناشی از ناهماهنگی زوجین در نوع نیازها و روش ارضاء آن، خودمحور بودن، اختلاف در خواسته و رفتار غیرمسئولانه نسبت به روابط زناشویی است که جنبه صمیمیت عشق را مورد هدف قرار می‌دهند و زمانی که یکی از طرفین رابطه احساس می‌کند علائقش مورد سرکوب قرار می‌گیرد، شدت می‌یابد. بنابراین وجود تعارض زناشویی از واکنش نسبت به تفاوت‌های فردی است و گاهی اوقات آن قدر شدت می‌یابد که سوءرفتار کلامی و فیزیکی در روابط زوجین مشاهده می‌شود که حالت‌های ویرانگری را دارند (یانگ و یانگ، ۲۰۱۲) و به نظر رولو (میکائیلی و همکاران، ۱۳۹۴) هیجان منفی ایجاد می‌کند. گاه نداشتن یک انگاره درست از عشق، تعارض را دامن زده و به صورت عدم رضایت خود را نشان می‌دهد.

فرآیند درمان در زوج درمانی شامل تشخیص چرخه‌های منفی ارتباط و دست یابی به عواطف و هیجاناتی است که هم در پاسخ به این چرخه‌ها ارائه می‌شود و هم این چرخه‌ها را سازمان می‌بخشد و نیز پردازش مجدد این عواطف و هیجانات به منظور ایجاد پاسخ‌های جدید است که رویدادهای ارتباطی ایمن و چرخه‌های نوین اعتماد و امنیت خاطر را پدید می‌آورد. در این نوع درمان فرض بر این است که هرگاه پیوندهای عاطفی ایجاد شود و چرخه‌های تعاملی ایمن و حمایتی باشد، زوج - ها اساساً به یکدیگر کمک می‌کنند تا مهارت‌ها و بینش‌های مورد نیاز را برای حل مسائل خود به دست آورند. تجربه عاطفی و پردازش مجدد عواطف و هیجانات عامل اصلی در تغییر دادن چرخه‌های منفی و شکل گیری ارتباطی مطمئن است.

در انسان کنترل عواطف از طریق چهار بعد عاطفه منفی، اضطراب، خشم و خلق افسرده شناخته می‌شود و افراد از این طریق تعیین می‌کنند چه هیجانی تجربه شود و چه زمانی و چگونه آن را ابراز کنند (هراتیان و همکاران، ۱۳۹۱). به عبارتی دیگر توانایی فرد در کنترل عواطف برای سازگاری با تجربیات استرس زای زندگی ضروری است که همین امر را به عنوان تلاش فرد برای مهار، افزایش تجربه و ابراز هیجانات تعریف کرده‌اند (وزیری و همکاران، ۱۳۹۴). در واقع مدیریت و کنترل عواطف موجب می‌شود افراد واقع بین، نیک اندیش و درست کردار شوند و فردی مفید و کارآمد در پیشرفت جامعه به شمار آیند (شعاری نژاد، ۱۳۹۲). در همین راستا باید گفت، فردی که به کنترل عواطف دست یافته است، به سرزندگی نیز دست خواهد یافت؛ احساس سرزندگی که هدف مشترک انسان‌هاست، چیزی نیست جز ارزیابی افراد از خود و زندگی اشان. بنابراین سرزندگی از چند جزء تشکیل یافته که عبارت است از: خشنودی از زندگی، خلق و هیجان‌های مثبت و

خوشایند و نبود خلق و هیجان‌های منفی (مؤمنی، ۱۳۹۵). سرزندگی به عنوان یکی از مؤلفه‌های بهزیستی ذهنی در بسیاری از نظام‌های پژوهشی مطرح است. وقتی فردی کاری را به طور خودجوش انجام می‌دهد نه تنها احساس خستگی و ناامیدی به او دست نمی‌دهد، بلکه احساس می‌کند انرژی و نیروی او افزایش یافته است. به طور کلی حس درونی سرزندگی شاخص معنادار سلامت ذهنی است. اگر چه، پژوهش‌هایی در خصوص رابطه بین همدلی و کنترل عواطف و نیز تعارض زناشویی انجام شده است، اما پژوهشی که به طور منسجم به رابطه بین این متغیرها پرداخته باشد بافت نشد. لذا سؤال اصلی این پژوهش، آیا بین همدلی و کنترل عواطف با تعارض زناشویی در زنان متقاضی طلاق شهرستان ساری رابطه وجود دارد؟

روش پژوهش

تحقیق حاضر از نظر هدف کاربردی و از نظر نحوه گردآوری داده‌ها توصیفی و از نظر روش تحقیقی هبستگی و از نظر موقعیت میدانی خواهد بود.

جامعه آماری شامل کلیه زنان متقاضی طلاق گرفته در شهرستان ساری طبق آمار سال ۱۳۹۸ به تعداد ۲۶۰ می‌باشند. تعداد نمونه بر اساس جدول مورگان به تعداد ۱۵۲ نفر بود. نمونه با استفاده از نمونه‌گیری در دسترس مشخص روش نمونه‌گیری غیر تصادفی در دسترس است.

برای جمع اطلاعات از ابزار پرسشنامه استفاده خواهد شد که از پرسشنامه زیر تشکیل شده‌اند: پرسشنامه همدلی توسط داوینس در سال ۱۹۸۳ معرفی شد. این پرسشنامه از ۲۱ گویه تشکیل شده است و میزان همدلی را در افراد مورد بررسی و ارزیابی قرار داده است. مؤلفه‌های این پرسشنامه عبارت است از دغدغه همدلانه، دیدگاه گرایی، آشفتگی شخصی. نمره گذاری پرسشنامه براساس طیف لیکرت ۵ درجه‌ای بوده و از کاملاً موافق تا کاملاً مخالف امتیازبندی شده است. پرسشنامه مقیاس کنترل عواطف ویلیامز و همکاران (۱۹۹۷)، دارای ۴۲ سؤال بوده و هدف آن ارزیابی توانایی کنترل عواطف و زیرمقیاس‌های آن (خشم، خلق افسرده، اضطراب و عاطفه مثبت) است. استفاده از این مقیاس برای افراد بالای ۱۵ سال توصیه می‌شود. منظور از تعارض زناشویی در این پژوهش نمره‌ای است که فرد در مقیاس تعارض زناشویی ثنائی و همکاران (۱۳۹۲) می‌گیرد که از ۵۴ گویه تشکیل شده است که برای سنجیدن تعارض‌های زن و شوهری بر مبنای تجربیات بالینی استاد راهنمای پژوهش ساخته شده است. این پرسشنامه هشت بعد از تعارضات زناشویی را می‌سنجد که عبارتند از کاهش همکاری، کاهش رابطه جنسی، افزایش واکنش‌های هیجانی، افزایش جلب حمایت فرزندان، افزایش رابطه فردی با خویشاوندان خود، کاهش رابطه خانوادگی با خویشاوندان همسر و دوستان، جدا کردن امور مالی از یکدیگر، و کاهش ارتباط مؤثر. مشاوران و سایر متخصصان بالینی می‌توانند از این پرسشنامه برای سنجیدن تعارض‌های زن و شوهری و ابعاد آن استفاده کنند. برای هر سؤال پنج گزینه در نظر گرفته شده که به تناسب ۱ تا ۵ نمره به آنها اختصاص داده شده است.

در مطالعه جولیف وفارینگتون (۲۰۰۶) ضریب آلفای کرونباخ مقیاس همدلی اساسی برای کل مقیاس ۰/۶۶ و برای خرده مقیاس شناختی و عاطفی به ترتیب ۰/۷۹، ۰/۸۵ به دست آمد. آلبرو و همکاران (۲۰۰۹) به منظور تعیین پایایی این مقیاس از آلفای کرونباخ استفاده کردند که به ترتیب برای مقیاس کلی ۰/۸۷ و برای خرده مقیاس شناختی ۰/۷۴ و عاطفی ۰/۸۶ بود. پرسشنامه کنترل عواطف توسط مؤلفین ویلیامز، چامبلس و آهرانز، در اختیار متخصصان قرار گرفته و روایی محتوایی آن توسط آن‌ها تأیید شده است. همچنین روایی افتراقی و همگرایی آن جهت یک نمونه از دانشجویان نیز بدست آمده است. (ویلیامز و چامبلس و آهرانز ۱۹۹۷؛ دهش، ۱۳۸۸)، برای تعیین پایایی این ابزار از ضریب آلفای کرونباخ و بازآزمایی استفاده کرده‌اند، که کل ضریب آلفای کرونباخ ۰/۹۴ و کل باز آزمایی آن ۰/۷۸ اعلام شد. نمره سؤالات هر خرده مقیاس که در یک طیف ۱ تا ۷ نمره‌ای قرار دارند با هم جمع شده و میانگین آنها به عنوان عملکرد فرد در هر خرده مقیاس محسوب می‌شود و میانگین تمام سؤالات به عنوان شاخص فرد در کنترل عواطف محسوب می‌شود. ضریب پایایی مقیاس کنترل عواطف به وسیله دهش (۱۳۸۸)، مورد بررسی قرار گرفت که مقدار آلفای کرونباخ در مقیاس کنترل عواطف ۰/۸۴، در خرده مقیاس خشم برابر ۰/۵۳ و در خرده مقیاس عاطفه مثبت برابر با ۰/۶۰ و اضطراب ۰/۶۴ برآورد شده است که نشان دهنده مناسب بودن مقیاس کنترل عواطف می‌باشد. آلفای کرونباخ برای کل پرسشنامه تعارض زناشویی روی یک گروه ۲۷۰ نفری برابر با ۰/۹۶ به دست آمد و برای ۸ خرده مقیاس آن از این قرار است: کاهش همکاری، ۰/۸۱؛ کاهش رابطه جنسی، ۰/۶۱؛ افزایش واکنش‌های هیجانی، ۰/۷۰؛ افزایش جلب حمایت فرزند، ۰/۳۳؛ افزایش رابطه فردی با خویشاوندان خود، ۰/۸۶؛ کاهش رابطه خانوادگی با خویشاوندان همسر و دوستان، ۰/۸۹؛ جدا کردن امور مالی از یکدیگر، ۰/۷۱؛ و کاهش ارتباط مؤثر، ۰/۶۹.

برای تجزیه و تحلیل داده‌ها، از دو روش‌های آماری شامل: آمار توصیفی و آماراستنباطی استفاده شد. پس از تکمیل پرسشنامه از روش همبستگی و رگرسیون و اطلاعات به کمک نرم افزار SPSS، مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

یافته‌ها

نتایج نشان دهنده آن است که از بین ۱۵۲ نفر پاسخ دهنده به پرسشنامه بیشترین درصد پاسخگویان در رده سنی ۲۶ تا ۳۰ سال با ۴۶،۱ درصد می باشند. به همین صورت رده سنی ۲۱ تا ۲۵ سال ۳۶،۸ درصد، رده سنی ۳۱ تا ۳۵ سال و کمتر از ۲۰ سال با ۶،۶ درصد و رده سنی بیش از ۳۵ سال با ۳،۹ درصد در رده های بعدی قرار دارند.

همچنین نتایج نشان دهنده آن است که از بین ۱۵۲ نفر پاسخ دهنده به پرسشنامه از نظر وضعیت تحصیلات بیشترین فراوانی را افراد دارای مدرک کاردانی با ۵۰،۷ درصد تشکیل داده اند. به همین صورت مدرک دیپلم و پایینتر ۴۶،۱ درصد، مدرک کارشناسی ۲،۶ درصد و دکتری ۰،۷ درصد نمونه آماری را تشکیل داده اند.

همچنین از بین ۱۵۲ نفر پاسخ دهنده به پرسشنامه از نظرشغل، بیشترین فراوانی را افراد خانه دار با ۴۵،۴ درصد تشکیل داده اند. همچنین مشاغل کارمند با ۳۲،۲ درصد و آزاد با ۲۲،۴ درصد در رده های بعدی قرار گرفتند.

با توجه به نتایج جدول ۱ در مدل، نتیجه آزمون دوربین واتسون برای فرضیه اصلی (۲،۱۶۸) به دست آمد. چون این مقادیر در بازه ۱،۵ الی ۲،۵ قرار گرفته است می توان گفت که بین جملات خطا خودهمبستگی وجود ندارد و رگرسیون در حالت کلی مورد تایید است. همچنین مطابق جدول، ضریب تعیین مدل برابر ۰،۲۳۲ بدست آمده که نشان می دهد ۲۳،۲٪ از تغییرات متغیر وابسته توسط متغیرهای مستقل پیش بینی می شود.

جدول ۱: نتیجه آزمون دوربین واتسون

فرضیه	مدل	مقدار R	مجذور R	مجذور R تعدیل شده	انحراف معیار	دوربین واتسون ^۱
اصلی	۱	۰،۴۸۲۰	۰،۲۳۲۰	۰،۲۲۹۰	۰،۱۴۵۳۷۰	۲،۱۶۸

جدول ۲: آزمون ANOVA

مدل	مجموع مجذورات	df	F	P
رگرسیون	۴۴،۷۶۲	۲	۱۰۵۹،۱۳۹	۰،۰۰۰
باقیمانده	۳،۱۴۹	۱۴۹		
کل	۴۷،۹۱۰	۱۵۱		

حال پس از بررسی مفروضات رگرسیون کلاسیک و اطمینان از صحت انجام آزمون، به بررسی نتیجه آزمون و ضرایب تاثیر متغیرهای مستقل بر وابسته خواهیم پرداخت.

جدول ۳: نتیجه رگرسیون

نماد متغیر	متغیرهای مستقل	ضرایب غیر استاندارد		ضرایب استاندارد	آماره تی	سطح معنی داری متغیرها
		مقدار ضریب	خطای استاندارد			
C	ثابت مدل	-۰،۰۰۵	۰،۰۵۴	---	-۰،۰۹۴	۰،۹۲۵
X1	همدلی	۰،۰۳۹	۰،۰۲۱	۰،۰۵۲	۲،۸۹۸	۰،۰۴۱
X2	کنترل عواطف	۰،۹۳۱	۰،۰۲۷	۰،۹۳۲	۳۴،۰۷۶	۰،۰۰۰

^۱. Durbin-Watson

مطابق جدول (۳)، نتایج تخمین مدل با روش رگرسیون چندگانه (متغیر وابسته: تعارض زناشویی) نشان می‌دهد که چون سطح معنی‌داری به دست آمده برای همدلی و کنترل عواطف به ترتیب برابر ۰/۰۴۱، ۰/۰۰۰، بوده و این مقدار کوچکتر از ۰/۰۵ می‌باشد بنابراین می‌توان گفت هر دو متغیر همدلی و کنترل عواطف بر تعارض زناشویی تاثیر معناداری دارند و فرضیه اصلی تحقیق مورد تایید قرار می‌گیرد.

جدول ۴: نتیجه آزمون دوربین واتسون

فرضیه	مدل	مقدار R	مجذور R	مجذور R تعدیل شده	انحراف معیار	دوربین واتسون ^۲
اول	۱	۰,۶۵۱	۰,۴۲۴	۰,۴۱۳	۰,۴۳۱۷۲	۱,۶۵۸

با توجه به نتایج جدول ۴ در مدل اول و دوم، نتیجه آزمون دوربین واتسون برای فرضیه اول (۱,۶۵۸) به دست آمد. چون این مقادیر در بازه ۱,۵ الی ۲,۵ قرار گرفته است می‌توان گفت که بین جملات خطا خودهمبستگی وجود ندارد و رگرسیون در حالت کلی مورد تایید است. همچنین مطابق جدول، ضریب تعیین مدل برابر ۰,۴۲۴ بدست آمده که نشان می‌دهد ۴۲,۴٪ از تغییرات متغیر وابسته توسط متغیرهای مستقل پیشبینی می‌شود.

جدول ۵: آزمون ANOVA

مدل	مجموع مجزورات	df	F	P
رگرسیون	۲۰,۳۲۶	۳	۳۶,۳۵۲	۰,۰۰۰
باقیمانده	۲۷,۵۸۴	۱۴۸		
کل	۴۷,۹۱۰	۱۵۱		

(در سطح $P \leq 0/05$ معنی دار است.)

حال پس از بررسی مفروضات رگرسیون کلاسیک و اطمینان از صحت انجام آزمون، به بررسی نتیجه آزمون و ضرایب تاثیر متغیرهای مستقل بر وابسته خواهیم پرداخت.

جدول ۶: نتیجه رگرسیون

نماد متغیر	متغیرهای مستقل	ضرایب غیر استاندارد		ضرایب استاندارد	آماره تی	سطح معنی داری متغیرها
		مقدار ضریب	خطای استاندارد			
C	ثابت مدل	۱,۳۰۸	۰,۱۱۵	---	۱۱,۴۲۵	۰,۰۰۰
X1	دغدغه همدلانه	-۰,۲۷۲	۰,۱۲۷	-۰,۲۹۶	-۲,۵۶۸	۰,۰۰۷
X2	دیدگاه گرایی	-۰,۲۹۷	۰,۱۰۰	-۰,۲۸۷	-۲,۹۶۸	۰,۰۰۵
X3	آشفتگی شخصی	۰,۲۱۳	۰,۱۳۷	۰,۲۹۰	۲,۵۵۶	۰,۰۰۲

مطابق جدول (۶)، نتایج تخمین مدل با روش رگرسیون چندگانه (متغیر وابسته: تعارض زناشویی) نشان می‌دهد که چون سطح معنی‌داری به دست آمده برای هر سه مولفه دغدغه همدلانه، دیدگاه گرایی و آشفتگی شخصی به ترتیب برابر ۰/۰۰۷، ۰/۰۰۵، ۰/۰۰۲ بوده و این مقدار کوچکتر از ۰/۰۵ می‌باشد بنابراین می‌توان گفت هر سه مولفه همدلی بر تعارض زناشویی تاثیر معناداری دارد. اما نکته قابل توجه آنجاست که با توجه به ضریب تاثیر دو مولفه دغدغه همدلانه و دیدگاه گرایی می‌توان گفت که این دو متغیر تاثیر معکوسی بر تعارض زناشویی دارند ولی مولفه آشفتگی شخصی تاثیر مستقیم بر تعارض زناشویی می‌گذارد.

². Durbin-Watson

جدول ۷: نتیجه آزمون دوربین واتسون

فرضیه	مدل	مقدار R	مجذور R	مجذور R تعدیل شده	انحراف معیار	دوربین واتسون ^۳
دوم	۲	۰,۵۹۱	۰,۳۴۹	۰,۳۴۵	۰,۱۳۸۲۷	۲,۱۵۶

با توجه به نتایج جدول ۷ در مدل دوم، نتیجه آزمون دوربین واتسون برای فرضیه دوم (۲,۱۵۶) به دست آمد. چون این مقدار در بازه ۱,۵ الی ۲,۵ قرار گرفته می توان گفت که بین جملات خطا خودهمبستگی وجود ندارد و رگرسیون در حالت کلی مورد تایید است. همچنین مطابق جدول، ضریب تعیین مدل برابر ۰,۳۴۹ بدست آمده که نشان می دهد ۳۴,۹٪ از تغییرات متغیر وابسته توسط متغیرهای مستقل پیشبینی می شود.

جدول ۸: آزمون ANOVA

مدل	مجموع مجذورات	df	F	P
رگرسیون	۴۵/۱۰۰	۴	۵۸۲,۷۳۲	۰,۰۰۰
باقیمانده	۲,۸۱۰	۱۴۷		
کل	۴۷,۹۱۰	۱۵۱		

(در سطح $P \leq 0/05$ معنی دار است.)

حال پس از بررسی مفروضات رگرسیون کلاسیک و اطمینان از صحت انجام آزمون، به بررسی نتیجه آزمون و ضرایب تاثیر متغیرهای مستقل بر وابسته خواهیم پرداخت.

جدول ۹: نتیجه رگرسیون

نماد متغیر	متغیرهای مستقل	ضرایب غیر استاندارد		ضرایب استاندارد	آماره تی	سطح معنی داری متغیرها
		مقدار ضریب	خطای استاندارد			
C	ثابت مدل	-۰,۰۱۱	۰,۰۵۴	----	-۰,۲۰۵	۰,۰۳۸
X1	خشم	۰,۲۸۶	۰,۰۳۳	۰,۲۸۹	۸,۷۷۵	۰,۰۰۰
X2	خلق افسرده	۰,۰۸۶	۰,۰۴۰	۰,۰۹۵	۲,۱۵۴	۰,۰۳۳
X3	اضطراب	۰,۳۷۶	۰,۰۴۲	۰,۴۳۱	۸,۹۴۰	۰,۰۰۰
X4	عاطفه مثبت	-۰,۲۱۶	۰,۰۴۷	-۰,۲۲۷	-۴,۶۱۳	۰,۰۰۰

مطابق جدول (۹)، نتایج تخمین مدل با روش رگرسیون چندگانه (متغیر وابسته: تعارض زناشویی) نشان می دهد که چون سطح معنی داری به دست آمده برای هر چهار مولفه کنترل عواطف کوچکتر از ۰/۰۵ می باشد بنابراین می توان گفت هر چهار مولفه کنترل عواطف بر تعارض زناشویی تاثیر معناداری دارند. همچنین می توان گفت با توجه به ضرایب منفی در مدل، تاثیر سه مولفه خشم، خلق افسرده و اضطراب بر تعارض زناشویی مستقیم بوده و این یعنی با افزایش این سه مولفه در زنان، تعارض زناشویی نیز افزایش می یابد. همچنین تاثیر مولفه عاطفه مثبت بر تعارض زناشویی معکوس بوده است.

بحث و نتیجه گیری:

نتایج نشان داد که بین همدلی و کنترل عواطف با تعارض زناشویی در زنان متقاضی طلاق شهرستان ساری رابطه معنادار دارد. این نتیجه با یافته های صدیقه شیخ بنوئیه (۱۳۹۵)، ملکی و همکاران (۱۳۹۴)، هنرپروران و همکاران (۱۳۹۰)، سپهری و پاکدامن (۱۳۸۹)، کانری (۲۰۱۰)، شرکات (۲۰۰۹)، ماهونی و دیگران (۲۰۰۹)، لامبرت و دولاهیت (۲۰۰۶)، هانسون و لندبلند (۲۰۰۶)، وینسنت، ویش و

3. Durbin-Watson

گری (۲۰۰۶)، شرکات (۲۰۰۴) همسو و مطابقت دارد. نتایج نشان داد که در روابط زوجین، آن‌ها را دچار فرسودگی مینماید به نظر میرسد نداشتن یک انگاره‌ی درست از عشق، تعارض را دامن زده و به صورت عدم رضایت خود را نشان میدهد. استرنبرگ (۲۰۰۶) عواطف را راهگشای اصلاح ناراضی‌میداند و میگوید در توانمندسازی مبتنی بر عواطف ابتدا باید چرخه‌های منفی انتقاد و حمله و دفاع را شکست و در گام دوم به سوی یک رابطه‌ی ایمن با تغییر مواضع تعاملی حرکت کرد و در گام سوم با تحکیم و انسجام روابط، مسائل بین فردی گذشته را تسهیل کرد. تبیین عواطف در قالب یک برنامه آموزشی به زوجین و تعیین نقش آن در زندگی مشترک و توضیح ماندگاری اثر آن یک اقدام مناسب در فرآیند آموزش زوجین در دنیای امروز است و بنا بر پژوهش حاضر آموزش توانمندسازی باعث کاهش تعارض زناشویی میشود. هم چنین با یافته‌های اولسون (۲۰۰۴) که با آموزش عشق به زوجین به حل تعارض‌های زناشویی کمک شایانی نمود مطابقت دارد. هاتفلید و والیستر (۲۰۰۸) به این نتیجه دست یافتند که رضایت از زندگی به گونه قویتری به وسیله‌ی عشق رفاقتی (عاطفی) پیش بینی میشود و عشق بر رضایت از زندگی اثر مستقیمی دارد. یکی از عواملی که باعث افت صمیمیت و افزایش تعارض زوجین میشود، استفاده از فاکتورهایی است که تحت عنوان سموم رابطه عاطفی نام گذاری میشود که عبارتند از: دعوی شدید، توهین، قهر طولانی، انتقام‌گیری، تحقیر و اتمام حجت، ریاکاری و کینه. سیلور (۲۰۰۸) میگوید که ناخرسندی فرآیندی تدریجی است و رفتارهای نامتعارف زوجین باعث ظهور آن شده و در نهایت عشق را از بین میبرد. همان گونه که میدانیم تعارض از قویترین و ابتداییترین هیجان‌هایی است که در انسان شکل میگیرد و به وسیله خانواده و محیط تقویت میشود. رفتارهای تعارض آمیز ارتباط نزدیکی با عوامل ژنتیکی و وراثتی دارد و حتی ارتباط آن با محیط زندگی نیز مربوط به دوران اولیه رشد است، بنابراین این رفتارها دیرپا بوده و برای درمان آن‌ها نیاز به زمان بیشتر و مداخلات همه جانبه و عمیق تری است، اما به نظر میرسد زنانی که به نوعی در تعارضات شدید درگیرند و خشم خود را ظاهر کرده و حتی مورد تعارض نیز قرار میگیرند علاوه بر بار استرس روانی/عاطفی، برخی از عوامل مانند فقر اقتصادی، داشتن والدین تعارض ورز و کمبود تجربه یا عدم آموزش مقابله با خشم، باعث میشود که این زنان مهارت همدلی با مشکلات جدی زندگی روزمره را نداشته باشند. (هاشمی نژاد و همکاران، ۱۳۹۶).

با توجه به نتایج، بین مؤلفه‌های همدلی با تعارض زناشویی در زنان متقاضی طلاق شهرستان ساری رابطه معنادار دارد که با یافته‌های جوادی (۱۳۹۷)، قره باغی (۱۳۹۶)، صدیقه شیخ سیه بنوئی (۱۳۹۵)، ملکی و همکاران (۱۳۹۴)، هنرپروران و همکاران (۱۳۹۰)، سپهری و پاکدامن (۱۳۸۹)، براتی (۱۳۸۵)، همام چی (۲۰۱۸)، ربکا تکاکا (۲۰۱۲)، کانری (۲۰۱۰)، شرکات (۲۰۰۹)، ماهونی و دیگران (۲۰۰۹)، لامبرت و دولاهیت (۲۰۰۶) همسو و مطابقت دارد. هانسون و لندبولند (۲۰۰۶) به زوجینی که در تعاملات باهم مشکل داشتند و از زندگی زناشویی خود ناراضی بودند، مهارت‌های زندگی و حل تعارض را آموزش دادند. نتایج نشان داد که این آموزش‌ها باعث بهبود روابط زوجین و توانایی کنار آمدن با مشکلات و سلامت روان آنها شده است سه بعد حل مسأله همدلی ارتباط مؤثر طلاق عاطفی را به بهترین وجه تبیین می کنند در تبیین این یافته می توان گفت که همدلی باعث می شود زوج‌ها نسبت به یکدیگر نگرش توجه آمیزی داشته باشند و به گفته‌های همسر خود اعتبار دهند و این امر باعث افزایش احترام و ارزش دهی به همسر می شود و این مورد خود باعث کاهش مقاومت در زوج‌ها و بهبود ارتباط آنان می شود. در نتیجه فاصله و جدایی در بین زوج‌ها کاهش می یابد. همچنین ارتباط مؤثر بین زن و شوهر یکی از قوی ترین پیش بینی کننده‌های استحکام خانواده است و به حفظ و نگهداری روابط بین زوج‌ها کمک می کند عدم وجود ارتباط مؤثر موجب فاصله بین فردی عمیقی می شود که در همه جنبه‌های زندگی تجربه می شود. پیامد فروپاشی ارتباط در اغلب موارد تنهایی، فاصله بین زوجین، مشکلات خانوادگی، عدم صلاحیت و میل به طلاق قانونی، خیانت فشار روانی، بیماری جسمی و... خواهد بود. حل مسأله نیز می تواند با کاهش مشکلات فاصله بین زوجین را کاهش دهد. آگاهی زوج‌ها از طبیعی بودن اختلاف‌ها و تفاوت‌های زن و شوهر و نگرستن به تعارض به عنوان یک مسأله و چالش برای حل کردن و نه یک عامل تهدیدکننده و مخرب می تواند در حل اختلافات آنها کمک بسزایی محسوب شود. همان طور که اشاره شد در طلاق عاطفی تفاوت‌ها و در مواقعی تضادها، نبود گفتگو، ناراضی بودن، عدم تشابه در افکار و عقاید، نداشتن فعالیت مشترک، فاصله زیاد فکری، رفتاری و فیزیکی در بین همسران مشهود است. به اعتقاد کلینکه در زندگی همه افراد جامعه واقعیت‌های تلخی وجود دارد ولی پذیرش آن‌ها و چگونه کنار آمدن با آن‌ها مهارت میطلبد با توجه به نتایج، بین مؤلفه‌های کنترل عواطف با تعارض زناشویی در زنان متقاضی طلاق شهرستان ساری رابطه معنادار دارد. نتایج این پژوهش، با یافته‌های رفاهی و مقتدری (۱۳۹۷)، یوسف زاده و همکاران (۱۳۹۳)، جنابی، معین و بردیده (۱۳۹۳)، زارع نژاد، و منصوری قلاتی (۱۳۹۳)، دیباجی فروشانی و همکاران (۱۳۸۸)، فیرکلوت (۲۰۱۶)، دیویس و همکاران (۲۰۱۵)، لانگ و یانگ (۲۰۱۳)، هانسون و لندبولند (۲۰۰۶)، وینسنت، ویشز و گری (۲۰۰۶)، شرکات (۲۰۰۴) همسو و مطابقت دارد. نظام زندگی زناشویی به مانند هر نظام اجتماعی دیگر در صورتی میتواند کارکردهای خود را به انجام برساند و با موفقیت بر موانع

ارتباطی و رفتاری و محیطی مشکل ساز غلبه کند و به حیات خود ادامه دهد که هر یک از اجزا به نقش های خود عمل کرده و معتقد به انجام وظایف محوله باشند. عبور موفقیت آمیز از مراحل بحرانی و مناقشه آمیز نیازمند تجهیز به مهارت بینشی و عملی خاصی است. در واقع با توجه به تغییرات اجتماعی ایجاد شده زوجین با رسیدن به مرحله مشاجره، کشمکش و اختلافات شدید درخواست طلاق قانونی میدهند لذا احساسات و عواطف سرکوب شده زودتر به طلاق قانونی می انجامد به همین دلیل می تواند بر میزان طلاق عاطفی اثرگذار باشد. با توجه به نتایج پژوهش (اسکافی، ۲۰۱۴) می توان گفت سطحی از طلاق عاطفی در اکثریت خانواده ها وجود دارد اما بسیاری از این نوع جداییها موقتی و درمان پذیر هستند. نتایج وضعیت مهارت های زندگی و ابعاد آن (حل مسأله، همدلی، خودآگاهی، ارتباط مؤثر، ارتباط بین فردی و تصمیم گیری) حاکی از مطلوب بودن سطح مهارت زندگی در بین پاسخ دهندگان است. نتایج حاصل از یافته های استنباطی داده ها، نشان می دهد که هر چه میزان مهارت زندگی در بین افراد متأهل بیشتر باشد طلاق عاطفی کاهش می یابد.

مراجع

- ۱- درویزه، زهرا (۱۳۹۲). بررسی رابطه همدلی مادران و دختران دانش آموز دبیرستانی و اختلالات رفتاری دختران شهر تهران. مجله علمی پژوهشی زنان، ۱(۳)، ۲۹-۵.
- ۲- شعاری نژاد، علی اکبر. (۱۳۹۴). روان شناسی رشد (جلد ۱). تهران: انتشارات پیام نور.
- ۳- طاهری، محمد. (۱۳۹۱). بررسی رابطه ی سبک دلبستگی و امید به زندگی در مادران دارای فرزند پسر کم توان ذهنی آموزش پذیر، مجله اصول بهداشت روانی، سال ۱۴، شماره ۳. صص ۴۵-۲۳.
- ۴- غلامی، جمیله. سهرابی، نادری، (۱۳۹۴)، مطالعه تحولی حل مساله اجتماعی و نشخوار فکری در زنان. فصلنامه علمی - پژوهشی زن و جامعه، ۶(۲۳)، ۷۸-۵۹.
- ۵- فخرایی، سیروس و محمد کریم منصوریان، (۱۳۹۱)، «تحلیل جامعه شناختی تعارضات همسران در خانواده های شیراز» مجله علمی - پژوهشی تحقیقات زنان، سال دوم، ش ۱، صص ۷۵-۱۱۳.
- ۶- فلوری، ویکی. (۱۳۹۴). رشد عاطفی کودکان: شناخت و چگونگی برآورده ساختن نیازهای عاطفی فرزندان (ترجمه ی علی سعیدی). تهران: رشد فرهنگ. (تاریخ انتشار به زبان اصلی ندارد).
- ۷- قناد بغدادی، صادق. (۱۳۹۲). بررسی اثربخشی برنامه شناختی رفتاری شادکامی بر کاهش تعارضات زناشویی. پایان نامه کارشناسی ارشد. رشته روانشناسی و علوم تربیتی. دانشگاه فردوسی.
- ۸- کرایبی، امین (۱۳۹۱). بررسی مدل پیشنهادی برای پیشایندها و پیامدهای گذشت در ازدواج. پایان نامه کارشناسی ارشد، مشاوره خانواده. دانشگاه شهیدچمران اهواز.
- ۹- لوف، هانیه؛ قنبری، سعید. (۱۳۹۳). نقش واسطه های مدل های ارتباطی زوجین در رابطه بین تعارض زناشویی و مشکلات درون سازی و برونی سازی شده دختران. روان شناسی خانواده. ۳-۱۸: (۲)
- ۱۰- مؤمنی، احد (۱۳۹۵). رابطه تعارض ادراک شده والدین با سلامت و عزت نفس نوجوان. دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشکده طباطبایی.
- ۱۱- میکائیلی، نیلوفر و غفاری، مظفر. (۱۳۹۴). بررسی ارتباط هوش شخصی و همدلی با حساسیت اخلاقی پرستاران. مجله ایرانی اخلاق و تاریخ پزشکی. ۸(۶): ۴۵-۵۶.
- ۱۲- نجمی، سیدبدرالدین. (۱۳۸۹). نظریه ی ذهن در کودک در خودمانده. مجله ی تحقیقات علوم رفتاری، دوره ی ۸، ۲.
- ۱۳- وزیری، شهرام، و لطفی عظیمی، افسانه. (۱۳۹۴). تأثیر آموزش همدلی در کاهش پرخاشگری نوجوانان. فصلنامه روانشناسی تحولی (روانشناسان ایرانی)، ۱۶۷، ۱۷۶-۳۰.
- ۱۴- وکیلی، جواد. (۱۳۹۳). بررسی اثر بخشی رفتار درمانی بر تعارضات زناشویی. پایان نامه کارشناسی ارشد. رشته روانشناسی. دانشگاه فردوسی.
- ۱۵- هراتیان، عباسعلی و احمدی، محمدرضا (۱۳۹۱) رابطه هرمت خود بر همدلی نوجوانان. فصلنامه روان شناسی و دین، سال پنجم، شماره ۱، صص ۱۶۴-۱۳۳.